

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْبَيْعَةُ لِلَّهِ

حزین



احمد الحسن (ع) در بخشی از کلامشان درباره حرمت شکنی شب تاسوعا و حمله به مجلس عزاداری انصار امام مهدی (ع) در قم و دستگیری آنان، فرمودند:

زندان ما را  
نگاهش خوار خور

«عزیزان من! اجر و پاداش به میزان سختی و مشقتی است که بر انسان وارد می شود، به زودی یاری خواهید شد و زندان بانان شکست خواهند خورد»  
(نهم محرم ۱۴۳۹ هـ. ق.)

وصیت یون خلد در شب وفات

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش... از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خبر داد که رسول الله (صلی الله علیه و آله) در شب وفاتش به امام علی (علیه السلام) فرمود: ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور، رسول الله (صلی الله علیه و آله) وصیتش را به امام علی (علیه السلام) املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود:

یا علی، بعد از من دوازده امام است و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش «محمّد» مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن‌ها دوازده امام هستند و پس از آن‌ها، دوازده مهدی خواهند بود؛ پس «هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی» را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می‌نماید. او سه نام دارد؛ نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است.

ترجمه کتاب غیبت طوسی  
ص ۲۰۰ ج ۱

السَّكِينَةُ إِلَى الْحَسَنِ الَّذِي خَلَعَ عِطَاشَنَا

حسین (علیه السلام) همان ذبیح الله، و راه حسین (علیه السلام) همان پناهگاه استوار الهی است

سید احمد الحسن: متشابهات، ج ۳

قاتلان امام حسین چه کسانی هستند؟

در روایات، دو هدف اصلی برای قیام قائم (علیه السلام) بیان شده است که تا قبل از ظهور یمانی آل محمد (علیه السلام) کسی به آن و ظرافت آن، توجه نداشته است: جهانی را که پر از ظلم و جور شده را پر از عدل و داد کند؛ و از قاتلان و ذریه قاتلان امام حسین (علیه السلام) انتقام بگیرد.

اما ظلم و جور چیست که جهان را پر کرده است؟ امروز همه زمین از چه چیزی پر شده است؟

سؤال دیگر اینکه منظور از انتقام از قاتلان یا ذریه قاتلان امام حسین (علیه السلام) چیست؟

آیا قائم (علیه السلام) از عمر سعد و ابن زیاد و شمر و خولی انتقام می گیرد؟ چگونه انتقامی؟

امام باقر (علیه السلام) این آیه را قرائت کرد: «ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم». غافر: ۵۱. امام (علیه السلام) فرمود: حسین بن علی (علیه السلام) از آن‌هاست و هنوز یاری نشده است. سپس فرمود: قسم به خدا، قاتلان حسین (علیه السلام) کشته شدند، درحالی‌که هنوز خون‌پمایش داده نشده است. انتقام از قاتلان در مقابل خون حسین (علیه السلام) گرفته نشده و یاری وعده داده شده خدا محقق نشده است. راجع کامل زیارات: ص ۶۳

ادامه مطلب در صفحه دوم

ایشان را حقیقت و واقع کربلا

چرا حسین بن علی (علیه السلام) و ۷۲ نفر از اصحابشان در برابر سیل عظیمی از سپاهیان دشمن، با پای خود وارد قتلگاه شدند؟

زیرا امام حسین (علیه السلام) به معنای واقعی کلمه، ایثار و از خودگذشتگی کرد تا نام اسلام برای همیشه در تاریخ ماندگار شود؛ و به عنوان یکی از نمونه‌های ایثارگری واقعی، می‌توانیم واقعه عاشورا و از خودگذشتگی اباعبدالله الحسین و یاران باوفای ایشان را مثال بزینم که جان و مال خود را فدای هدفی کردند که هیچ سود مادی برای ایشان نداشت.

احمدالحسن می‌نویسد:

«ایثار واقعی، ایثاری است که مجموعه ژنی، هیچ سود نزدیک یا دوری، از آن می‌بیند؛ بلکه این ایثار، آن را در معرض انقراض و نابودی قرار می‌دهد؛ به همین خاطر در تفسیر ژنی، قابل توجیه نیست... ایثار واقعی، همانند شورش است بر آنچه ژن‌ها به‌عنوان ابزارهای خودخواهی «اجسام» ساخته‌اند که با خودخواهی خود در تلاش‌اند مجموعه ژنی خود را به نسل بعدی منتقل کنند و آن را در محدوده مجموعه ژن‌های کارگر باقی بگذارند...»



ادامه مطلب در صفحه دوم

حوادث کردستان...؟

۱. شمشیری از اهل کوهستان آنها را می‌گیرد\* و در بغداد، جنگجویی باقی نمی‌ماند\* و گُرد، بغداد و اطراف آن را مالک می‌شود\* تا خراسان از شرق نه از سمت عراق). الزام الناصب: ج ۲، ص ۱۴۷  
۲. ...ای جابر! وقتی که ناقوس به صدا در آید و کابوس و ریاست‌طلب قیام نماید و گاو میش تکلم نماید و در این‌هنگام شگفتی‌هاست و چه شگفتی و عجایی (بین ماه‌های جمادی و رجب)! آتش در شهر بصری برافروخته می‌شود و علم و پرچم عثمانی از سرزمین سیاهان (یا سرزمین سودان) ظاهر می‌گردد و شهر بصره به آشوب کشیده می‌شود؛ هر گروه و طایفه‌ای با گروه و طایفه دیگر، در مقام غلبه درآیند؛ و لشکرهای خراسان به حرکت درآیند؛ و شعیب بن صالح قیمی از طالقان خروج کند؛ و برای سعید سوسی در خوزستان بیعت گرفته شود؛ و پرچم بزرگان کرد منعقد و پیروز گردد؛ و عرب‌ها بر سرزمین‌های ارمن و سقلا ب غلبه کنند... معجم احادیث الامام المهدی: ج ۳، ص ۲۷، ح ۵۸۱

ادامه مطلب در صفحه سوم

شهادت حسین نزد اهل سنت

در روز دهم ماه محرم که همان روزی است که حسین (علیه السلام) سرور جوانان اهل بهشت -بنابر اتفاق نظر همه اهل اسلام- در آن روز به شهادت رسید، برای همه مسلمانان چه شیعه و چه سنی، مستحب مؤکد است که اندوه و گریه و مصیبت را ابراز کرده و مراسم عزاداری برپا کنند و از روش حسین (علیه السلام) درس گرفته و امر او، به ویژه درس‌های انقلاب مبارک حسینی را زنده نگه دارند.



بعضی از احادیث موثقی در رابطه با امام حسین (علیه السلام) در کتاب‌های اهل سنت: طبرانی در کتاب «المعجم» خود از عایشه نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: جرئیل به من خبر داد که بعد از من، فرزندم حسین در سرزمین «طف» کشته می‌شود و این تربت را برایم آورد و مرا باخبر ساخت که بارگاه او در آن است. ابوداود و حاکم، از ام فضل دختر حرث نقل کرده‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: جرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که اتمم این فرزندم -یعنی حسین- را خواهند کشت و برایم تربتی سرخ آورد...

ادامه مطلب در صفحه چهارم

سردبیر

«صاحب ولایت»

امام صادق (ع) فرمود:

صاحب این امر دو غیبت دارد که یکی از آنها طولانی می‌شود تا اینکه بعضی می‌گویند مرده و بعضی می‌گویند کشته شده و بعضی می‌گویند رفته، تا جایی که کسی از اصحابش بر امر او باقی نمی‌ماند مگر عده اندکی؛ هیچ یک از فرزندانش و دیگران از جایگاهش مطلع نیستند مگر آن مولایی که عهده‌دار امر اوست (امر حضرت را ادامه می‌دهد).

(إِنَّ لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ إحدَاهُمَا تَطُولُ حَتَّى يَقُولَ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ يَقُولُ بَعْضُهُمْ قُتِلَ وَ يَقُولُ بَعْضُهُمْ ذَهَبَ حَتَّى لَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ لَا يَطْلُعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلَدِهِ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ). (غیبت طوسی، ص ۱۶۲)

ائمه اطهار (ع) فرمودند: (کسی که عهده‌دار امر امام است و امر امام را دنبال می‌کند، قطعاً امامی مانند خود اوست: أَنَّ الْأِمَامَ لَا يَلِي أَمْرَهُ إِلَّا إِمَامٌ مِثْلُهُ). (بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۶۹)

زیرا که امر امام مهدی (ع) امر الهی است و کسی عهده‌دار امر الهی نمی‌شود مگر معصوم منصوب العصمه باشد.

که نامش در وصیت ذکر شده.

بنابراین تنها کسی که در زمان غیبت امام مهدی (ع) با او مرتبط و از جای او مطلع است و می‌تواند مردم را به سمت او دعوت کند، فرزند و وصی و اولین مقربان و مؤمنان به امام مهدی (ع) است که در وصیت شب وفات رسول خدا (ص) با سه نام عبد الله و احمد و مهدی معرفی شده است. (ر.ک: غیبت طوسی، صص ۳۰۱ - ۳۰۳)

اهل بیت (ع) او را با لقب یمانی، یعنی وزیر ایمن و دست راست امام مهدی (ع) وصف نمودند.

به همین سبب، یمانی که تنها صاحب پرچم هدایت در آستانه عصر ظهور است و به فرموده امام باقر (ع) مردم را به سمت صاحبان دعوت می‌کند، همان یمانی موعود است: (هِيَ رَأْيَةُ هُدًى لِأَنَّهُ يُدْعَوُ إِلَى صَاحِبِكُمْ) (غیبت نعمانی، ص ۲۵۶)

در حقیقت، او جانشین معصوم امام مهدی (ع) و خودش نیز امام منصوب و منصب از سمت خداست که دعوت و ظهور و قیامش قبل از امام مهدی (ع) است و به همین سبب اطاعت از او واجب است و به سمت حق و صراط مستقیم دعوت می‌کند و اوست که از امام مهدی (ع) و اراده و فرمان و موضع حضرت اطلاع دارد.



## قاتلان امام حسین (ع) چه کسانی‌اند؟ قائم (ع) از چه کسانی انتقام می‌گیرد؟

در روایات دو هدف اصلی برای قیام قائم (ع) بیان شده است که تا قبل از ظهور یمانی آل محمد (ص) کسی به آن و ظرافت آن توجه نداشته است: جهانی را که پر از ظلم و جور شده را پر از عدل و داد کند. و از قاتلان و ذریهٔ قاتلان امام حسین (ع) انتقام بگیرد.

اما ظلم و جور چیست که جهان را پر کرده؟ امروز همهٔ زمین از چه‌چیزی پر شده؟ سؤال دیگر اینکه منظور از انتقام از قاتلان یا ذریهٔ قاتلان امام حسین (ع) چیست؟

آیا قائم (ع) از عمر سعد و ابن زیاد و شمر و خولی انتقام می‌گیرد؟ چگونه انتقامی؟

امام باقر (ع) این‌آیه را قرائت کرد: «همانا ما فرستادگان مان و کسانی‌که ایمان آوردند را یاری می‌کنیم در زندگی دنیا و روزی که شاهدان به پا می‌خیزند(قیامت)». امام فرمود: حسین بن علی (ع) از آنهاست و هنوز یاری نشده است. سپس فرمود: قسم به خدا، قاتلان حسین کشته شدند در حالی‌که هنوز خون‌هایش داده نشده). (انتقام از قاتلان در مقابل خون حسین گرفته نشده است و یاری وعده داده شده خدا محقق نشده است). ( غافر: ۵۱، راجع کامل الزیارات ص ۶۳)

با اینکه قاتلان امام حسین (ع) به قتل رسیدند و در مقابل جنایتشان قصاص شده‌اند اما انگار خون‌بهای حسین (ع) چیز دیگریست و انتقام از قاتلان حسین (ع) و تحقق وعدهٔ یاری خدا در مورد حسین (ع) چیز دیگریست که توسط قائم آل محمد (ص) انجام می‌گیرد.

از امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که دربارهٔ تفسیر آیه- ۳۳- سورة اسرا که می‌فرماید: «و هرکس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت خون‌خواهی] قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده‌روی کند» فرمود: منظور قائم آل محمد است که خروج می‌کند و گروهی را به جرم خون امام حسین (ع) می‌کشد. اگر آن بزرگوار تمام اهل زمین را به قتل برساند اسراف نیست و معنای قول خدای سبحان که می‌فرماید: «در قتل و قصاص زیاده‌روی نکنند» این است که آن حضرت عملی انجام نمی‌دهد که اسراف باشد. سپس امام جعفر صادق (ع) فرمود: به خدا قسم حضرت قائم ذریه‌های قاتلین امام حسین را به علت جنایت پدرانشان خواهد کشت). (کامل الزیارات ص ۶۳)

مطابق این روایت، تمام اهل زمین در خون امام حسین (ع) شریک هستند. اما چرا همهٔ اهل زمین می‌شوند ذریهٔ قاتلان حسین (ع) یا مسئلهٔ قاتلان حسین (ع) و انتقام از آنها ارتباطی با مسئلهٔ ظلم و جور همگانی در جهان دارد؟ آیا عدالت منتظره از قائم اهل‌بیت (ع) ارتباطی با خون‌بهای حسین (ع) دارد؟ پاسخ را در علامت و پرچم قائم (ع) دنبال می‌کنیم. پرچم هر شخص یا مکتبی ارتباط مستقیم با اهداف آن مکتب دارد. وقتی در روایات فرمودند که قائم (ع) با پرچم رسول الله می‌آید و خود را با آن معرفی می‌کند، پس باید در آن نکته‌ای باشد و آن نکته ارتباط مستقیم با اهداف از قبل بیان شده در مورد قائم (ع) داشته باشد.

مطابق روایات، بر روی پرچم قائم (ع) نوشته شده البیعة لله یعنی حاکمیت فقط برای خداست. همان‌طور که بر روی پرچم رسول الله (ص) نوشته بود.

با درک مفهوم این نوشته، معمای انتقام قائم (ع) از قاتلان حسین (ع) پاسخ داده می‌شود. حاکمیت مردم همان چیزی بود که امام حسین (ع) برای مبارزه با آن قیام کرد، اما در این راه کشته شد. پس نصرتی که خداوند در مورد امام حسین (ع) وعده داده است همان مبارزه با حاکمیت مردم است و این همان ظلم و جورِیست که جهان را پر کرده است و مهدی این امت جهان را از حاکمیت خدا پر خواهد کرد. انسان‌ها در طول قرون گذشته خواسته یا ناخواسته به دنبال همین حاکمیت مردم و دموکراسی رفته‌اند که امام حسین (ع) با آن مبارزه کرده بود و با این طرح جهان را پر از ظلم و جور کرده‌اند. پس زمانی‌که مهدی ظهور می‌کند مردم را دعوت به حاکمیت خدا می‌کند و این است سرّ همراهی قائم (ع) با پرچم رسول الله (ص). امروز همه مردم حتی فقهای آخرالزمان به دموکراسی و انتخابات راضی شده و حتی افتخار می‌کنند. پس شریک در امر قاتلان امام حسین (ع) شدند و اگر رحمت و فضل امام مهدی نباشد همهٔ اهل زمین شایسته قصاص هستند.

## ایشارگری حقیقی و واقعهٔ دشت کربلا

چرا حسین بن علی و ۷۲ نفر از اصحابشان در برابر سیل عظیمی از سپاهیان دشمن، با پای خود وارد قتله‌گاه شدند؟ زیرا امام حسین (ع) به معنای واقعی کلمه، ایشار و از خودگذشتگی کرد تا نام اسلام برای همیشه در تاریخ ماندگار شود. و به عنوان یکی از نمونه‌های ایشارگری واقعی، می‌توانیم واقعهٔ عاشورا و از خودگذشتگی ابا عبدالله الحسین و یاران باوفای ایشان را مثال بزنییم که جان و مال خود را فدای هدفی کردند که هیچ سود مادی برای ایشان نداشت.

احمدالحسن می‌نویسد:

«ایشار واقعی، ایشاری است که مجموعهٔ ژنی، هیچ سود نزدیک یا دوری، از آن نمی‌بیند. بلکه این ایشار، آن را در معرض انقراض و نابودی قرار می‌دهد. به همین خاطر در تفسیر ژنی، قابل توجیه نیست ... ایشار واقعی، همانند شورش‌ی است بر آنچه ژن‌ها بعنوان ابزارهای خودخواهی «اجسام» ساخته‌اند که با خودخواهی خود در تلاش هستند مجموعهٔ ژنی خود را به نسل بعدی منتقل کنند و آن را در محدودهٔ مجموعهٔ ژن‌های کارگر باقی بگذارند.»

در واقعهٔ عاشورا اصحاب امام حسین بر خودخواهی ژن‌ها غلبه و بر غیب اعتماد کرده و تابع حجت زمانشان شدند با آنکه می‌دانستند انتهای داستان چیزی جز مرگ نیست اما آنها تن به این کار دادند و اما سؤالی که برای هر خوانندهٔ واقعهٔ تاریخی عاشورا پیش می‌آید، آن است که چرا آنها خود را همراه امامشان، فدای پیامی غیبی کردند و بر غیب اعتماد کردند؟

که در این مورد سیداحمدالحسن می‌نویسند:

«ایشار حقیقی از تفسیر ناتوان است، چه از نظر بیولوژی تکاملی یا بیولوژی اجتماعی. به همین خاطر فرصت برای فرض ورود چیز دیگری در معادلهٔ ایجاد شده است که از حدود ماده بیرون است. یعنی فرصت برای فرض غیبی به وجود آمده است؛

و به شکل خلاصه؛ فرض ورود نفس آدمی. این فرض حق ماست؛ چون ما محال‌بودن تفسیر مادی

برای ایشار حقیقی را ثابت کردیم.»و در جای دیگر می‌نویسند:

«در حقیقت فرد بانصاف باید بگوید ما به عنوان گونهٔ انسانی در عمل، خودپرستی ژن‌ها را نابود ساخته‌ایم؛

زیرا اخلاق والا یا ایشارگری واقعی که انبیاء و پیامبران الهی مروج آن بوده‌اند و ادیان الهی به آن توصیه کرده‌اند، این خودخواهی را در هم کوبیده است.»

آری اصحاب امام حسین بر این خودخواهی ژن‌ها غالب گشته و به بشارات ملکوتی اعتماد کردند و زندگی جاوید فرای ماده را طلب کردند که به عنوان نمونه، وهب نصرانی را می‌توان مثال زد که در اثر دیدن رویایی صادقه به جمع انصار حسین (ع) پیوست و جام شهادت را نوشید.

عده‌ای در جنگی که انتهای آن را با چشم خود می‌بینند و حتی نوید شهادت‌شان را قبل از روز جنگ دریافت کرده‌اند؛ این چنین مشتاقانه به میدان جنگ می‌روند و جان و مجموعهٔ ژنی خود را بدون هیچ چشم‌داشتی فدا می‌کنند.

شیخ صدوق از هروی روایت می‌کند: «به امام علی بن موسی الرضا (ع) گفتم: یا ابن رسول الله؛ چه می‌گویی دربارهٔ حدیثی که امام صادق (ع) فرموده است: هنگامی‌که حضرت قائم (ع) خروج کند، فرزندان قاتلان امام حسین (ع) را به علت جنایتی که پدرانشان انجام داده‌اند به قتل می‌رساند؟ امام فرمود: همین‌طور است که امام صادق (ع) فرموده است. گفتم: پس قول خدای سبحان که می‌فرماید: (وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰی) چیست؟ فرمود: خدا در جمیع سخنان خود راست می‌گوید. ولی فرزندان قاتلان امام حسین به آن عملی که پدران و اجدادشان انجام دادند، راضی هستند و به آن اعمال افتخار می‌کنند. و کسی‌که به عملی راضی باشد، نظیر این است که آن را انجام داده باشد. اگر مردی در مشرق کشته شود و مردی در مغرب به این عمل راضی باشد، او نیز نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود. حضرت قائم (ع) وقتی‌که خروج کند آنها را برای رضایتی که به عمل پدرانشان دارند خواهد کشت.»

(علل الشرائع ج ۱ ص ۲۳۹)

پس دانستیم که دعوت به حاکمیت خدا یعنی پرچم رسول الله (ص) و انتقام از قاتلان حسین (ع) و ذریه‌شان و مبارزه با ظلم فراگیر جهانی، سه ضلع یک مثلث هستند که یکدیگر را تبیین می‌کنند. یمانی آل محمد سید احمدالحسن (ع) می‌فرماید: «تفکر کنید و ببینید که خط و مشی امام حسین (ع) چه بوده و دشمنان امام حسین (ع) که با او مبارزه کردند بر چه خط و مشی بودند. آنها بر خط و مشی حاکمیت مردم بودند، اما امام حسین (ع) بر مسیر الهی حاکمیت خدا قرار داشت، علی‌رغم اینکه رهروان آن راه بسیار اندک‌اند. و متأسفانه امروزه، خیلی از مردم گمراه شده را می‌بینیم که بر خط و مشی قاتلان امام حسین (ع) پیش می‌روند و آن را تأیید می‌کنند، سپس مدعی می‌شوند که شیعهٔ امام حسین (ع) هستند و به زیارت امام حسین (ع) می‌روند و به ظاهر، سنت‌هایی را احیاء می‌کنند که هیچ ارزشی ندارد اگر از هدف (اصلی) دور باشد و آن احیای امری است که امام حسین (ع) بخاطر آن قیام نموده و آن حاکمیت خداست. پس چگونه ممکن است که آنها شعائر حسینی را برپا دارند در حالی‌که پرچم دشمنانش را برافراشته‌اند و آن حاکمیت مردم است و نتیجه، تحریف هدف این انقلاب حسینی می‌شود و امام حسین (ع) را در مقام دروغ و بهتان، تأییدکننده و یاری‌دهندهٔ حاکمیت مردم یا خط شورا و انتخابات قرار می‌دهند که نتیجهٔ این خط باطل، هدف امثال یزید است.



آری، در چنین مواقعی است که قلم‌ها از کار می‌افتند و اندیشه‌ها حیران گشته و سواد دیگر کارساز نیست؛ زیرا شهدای دشت کربلا ایمان به غیب داشتند. غیبی که ما صرفاً از طریق اثراتی نظیر روایات صادقانه و توسّمات بدان پی برده‌ایم و شاید برای خیلی‌ها ایمان به این غیب کمی دشوار باشد، زیرا ایشان از این طریق امکان بقا را از دست داده و دیگر شانس تولید نسل و انتقال مجموعهٔ ژنی خود را نخواهند داشت که این خلاف امیال حیوانی انسان‌ها می‌باشد.

ایشارگری حقیقی هیچ دلیل مادی ندارد، زیرا هیچ نفع مادی ندارد و آنچه که در دشت کربلا به وقوع پیوست نمادی از ایشارگری حقیقی و ایمان به غیب در دفاع از حاکمیت خداوندی بود که شاهد غایب است.

حسین بن علی خود و خانواده‌اش را بدون هیچ چشم‌داشتی فدای حاکمیت الله کرد بدون آنکه مزدی طلب کند یا خواهان بهشت اخروی باشد.





## راه حل ، فقط مهدی (ع) است.

عالم در ید قدرت الهی است و چالشهای روزگار، هم وسیله آزمایش انسانها و هم عذابی برای غیر مومنان می باشد. قرآن کریم برای تربیت انسانها نمونه ای زیبا از این چالشها را برای اهل فهم بیان می کند تا عبرتی برای ما باشد. علی بن ابراهیم علیه السلام گوید: پادشاه خوابی دید و به وزیرانش گفت: من در خواب دیدم که « هفت گاو فربه را دیده‌ام که آنها را هفت گاو لاغر می‌خورند » یعنی هفت گاو لاغر اندام، و نیز در خواب دیدم: « و هفت خوشه سبز دیدم و هفت خوشه خشک » ...

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

در سایه شرایط سختی که عراق در حال پشت سر گذاشتن آن است ، لازم می‌دانم که به هر فردی که مسئله عراق برایش مهم است (نکات) ذیل را یاد آور شوم:

**۱اولا:** در حال حاضر و در این روزها واقعیت این است که عراق دولتی واحد و یکپارچه نمی‌باشد، بلکه عبارت است از دو دولت؛ دولت کردی در شمال که فقط احزاب کردی در آن حکومت می‌نمایند، و دولت عراقی در مرکز و جنوب (عراق) که برخی از ساکنین آن در آن حکومت می‌نمایند و احزاب کردی در حکومت (آن منطقه) و خرد شدن (و نابودی اش) مشارکت می‌نمایند!

**۲ ثانیاً:** کرکوک شهری است که دارای قومیت‌های متعددی

یوسف گفت: « گفت: هفت سال پی در پی بکارید و هر چه می‌دروید، جز اندکی که می‌خورید، با خوشه انبار کنید » یعنی سنبله ها را نکوبید؛ چرا که در طول این هفت سال، گندیده و فاسد می شود، ولی اگر داخل خوشه خود بماند، فاسد نخواهد شد. « از آن پس هفت سال سخت می‌آید، و در آن هفت سال آنچه برایشان اندوخته‌اید بخورند مگر اندکی که نگه می‌دارید » یعنی هفت سال، قحطی سختی پدید می‌آید و در این هفت سال، آن چه را که در هفت سال گذشته انبار کرده اید، می‌خورید. (ص ۳۶۷ جلد ۱ تفسیر قمی) این در حالی است که علما در جهت رفع این عذاب، به ذخیره دانه های گندم اقدام نمودند و در نتیجه در طول مدت فاسد گردیده و

می‌باشد و هیچ‌یک از این قومیت‌ها (حتی اگر اکثریت مردم آنجا را تشکیل دهد) حق ندارد دیگر ساکنان آنجا را مجبور کند که به دولت مختص به آن قومیت ملحق شوند. همانا این مسئله‌ای است که با توجه به تمام ملاک‌های انسانی و اخلاقی و قانونی ناعادلانه می‌باشد و مسئله کرکوک باید به این صورت مورد بررسی قرار گیرد و مسئله (فقط) نظرخواهی در مورد مستقل شدن کرکوک از عراق نمی‌باشد تا اینکه کرکوک دولتی (مستقل) با قومیت‌های مختلف باشد که کرد و عرب و ترکمان در آن زندگی کند، بلکه آنها می‌خواهند نظرخواهی انجام دهند تا کرکوک را به دولت کردها ملحق نمایند؛ یعنی آنان می‌خواهند (فقط) از کردها در کرکوک نظرخواهی نموده و

پیروان خود را با این جهل خود بدر معرض هلاکت قرار دادند.و این تفاوت بین راه حل ارایه شده برای حل یک بحران توسط حجت خداوند و راه حل ارایه شده توسط علمای دین و حاکمان می باشد. حال امروز شاهد چالشی بزرگ بعنوان اعلام استقلال کردستان عراق هستیم،تصمیمی که به اعتقاد تمام کارشناسان تمام منطقه را دچار چالش و حتی جنگ های دایمی خواهد نمود.حال ای مردم مومن،با تمسک به روشنگری قران کریم بدانید که راه حل ،فقط مهدی (ع)،و اطاعت از فرستاده ایشان،سید احمد الحسن (ع) یمانی می باشد.

صدها (و) هزاران ترکمان و عرب را برای زندگی زیر نظر دولت کردها اجبار نمایند و این مسئله ستمکارانه و ناعادلانه‌ای است. به همین خاطر بر هر عراقی و انسان شریفی -که از ستم و طغیان بیزار می‌باشد- واجب است برای دفاع از حق ترکمان‌ها و عرب‌ها و دیگر قومیت‌های کرکوک درکنار آنها بایستند تا احزاب کرد نتوانند آنان را مجبور نمایند که زیر نظر دولت کردها زندگی کنند.

**پیام صفحه رسمی فیسبوک**  
**#سید\_احمد\_الحسن ۱۱ اردیبهشت ۹۵**



۱- شمشیری از اهل کوهستان آن‌ها را می‌گیرد\* و در بغداد جنگجویی باقی نمی‌ماند\* و کُرد، بغداد و اطراف آن را مالک می‌شود\* تا خراسان از شرق نه از سمت عراق. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۴۷

۲-...ای جابر! وقتی که ناقوس به صدا درآید و کابوس و ریاست طلب قیام نماید و گاومیش تکلم نماید و در این هنگام شگفتی‌هاست و چه شگفتی و عجایی (بین ماه‌های جمادی و رجب)! آتش در شهر بصری برافروخته می‌شود و علم و پرچم عثمانی از سرزمین سیاهان (یا سرزمین سودان) ظاهر می‌گردد و شهر بصره به آشوب کشیده می‌شود، هر گروه و طایفه‌ای با گروه و طایفه دیگر در مقام غلبه درآیند؛ و لشکرهای خراسان به حرکت درآیند؛ و شعیب بن صالح قیمی از طالقان خروج کند؛ و برای سعید سوسی در خوزستان بیعت گرفته شود؛ و پرچم بزرگان کرد منعقد و پیروز گردد؛ و عرب‌ها بر سرزمین‌های ارمن و سقلا ب غلبه کنند... معجم احادیث الامام المهدی ج ۳: ص ۲۷ الحدیث ۵۸۱

۳- امام علی بن ابی طالب (علیه السلام): ...مردی زردرنگ بر سر پلی ظاهر می‌گردد. او هفتاد هزار نفر شمشیردار را به قتل می‌رساند؛ آنگاه فتنه به عراق بازگشت می‌کند و در شهر زورا پدیدار می‌گردد. آن فتنه، بلایی بزرگ و تار است و بلیه‌ای است سخت و چسبنده که آن‌ها را دمی رها نکند. راوی گوید: پس گروهی به پا خواسته، گفتند: ای امیرمؤمنان، برای ما بیان کن که از کجا این زردپوست خروج می‌کند؟ و آنگاه اوصافش را برای ما بازگو. فرمود: پشتی پهن دارد، دو ساق پاهایش کوتاه است، زود به خشم می‌آید، بیست و دو جنگ می‌کند. پیرمردی کرد است، خوب صورت، دراز عمر... الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۰



۴- امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود:...وای بر دیلم، که کوهستانی است از مازندران و ... گروه هایی را تشکیل دهند و زدوخورد در میانشان به وفور به وقوع پیوندد. اکراد ساکن کوهستان به یاری آن‌ها برخیزند و از سایر شهرها افرادی به گروهشان پیوندند. کردهای همدان یا کردهای عراق و قبیله‌های همدان و حمزه و عدوان [که از قبایل عرب‌اند] به آنان ملحق شوند تا اینکه سرزمین عجم (ایران) از جانب خراسان به زیر سیطره آنان درآید. آنگاه از طریق سمرقند تا نزدیکی قزوین و کاشان را به زیر سلطه خود درآورند. پس در آنجا سادات از اهل بیت پیغمبرتان را می‌کشند و پس از آن به سرزمین شیراز فرود می‌آیند... الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۶

۵- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:...این پیش‌آمد، در سالی است که غیبت کبری فرزند غایم اعلام می‌شود؛ صاحب پرچم سرخ و بیرق سبز است؛ وه که چه روزی است برای نومیدان میان این دو شهر «انبار» و «هیت». آن روز، روز مصیبت بزرگ برای کردها و خوارج خواهد بود؛ روز ویرانی کاخ فرعون‌ها و جایگاه ستمگران و فرمانداران ظالم است و روز خرابی مادر شهرها و هم‌ردیف شهر عاد است؛ و ای عمر بن سعد، به پروردگار علی سوگند، این شهر، شهر بغداد خواهد بود. غیبت نعمانی، ص ۱۴۸



۶- امیرالمؤمنین (علیه السلام) : وای بر اهل بغداد، از شمشیرهای کردها....

بیان الاذه: ص ۲۸۰



## برپایی مراسم عزاداری امام حسین (ع) وزنده نگه داشتن امر او نزد اهل سنت

در روز دهم ماه محرم که همان روزی است که حسین (ع) سرور جوانان اهل بهشت -بنابر اتفاق نظر همهٔ اهل اسلام- در آن روز به شهادت رسید، برای همهٔ مسلمانان چه شیعه و چه سنی، مستحب مؤکد است که اندوه و گریه و مصیبت را ابراز کرده و مراسم عزاداری برپا کنند و از روش حسین (ع) درس گرفته و امر او به ویژه درس‌های انقلاب مبارک حسینی را زنده نگه دارند.

و بعضی از احادیث موثقی در رابطه با امام حسین (ع) در کتاب‌های اهل سنت :

طبرانی در کتاب «المعجم» خود از عایشه نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: جبرئیل به من خبر داد که بعد از من فرزندان حسین در سرزمین «طف» کشته می‌شود و این تربت را برایم آورد و مرا باخبر ساخت که بارگاه او در آن است.

ابوداود و حاکم از ام فضل دختر حرث نقل کرده‌اند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که اتمم این فرزندم -یعنی حسین- را خواهند کشت و برایم تربتی سرخ آورد.

بغوی در کتاب «المعجم» خود حدیثی از انس آورده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «فرشتهٔ (مأمور) باران از پروردگارش اذن خواست تا مرا زیارت کند، پس به او اذن داد در حالی‌که در اتاق امسلمه بود، پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای امسلمه! مواظب درب خانه باش که کسی بر ما وارد نشود، در حالی‌که او دم درب بود ناگهان حسین وارد شد، پس سرزده وارد اتاق شد و بر روی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پرید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شروع به بوسیدن او کرد. فرشته به او گفت: آیا دوستش داری؟ گفت: بله. فرشته گفت: امت تو او را خواهند کشت، و اگر بخواهی مکانی که در آن کشته می‌شود را به تو نشان می‌دهم، پس به او نشان داد، و شن یا خاک سرخ آورد که امسلمه آن را گرفت و در لباسش گذاشت. ثابت گفت: ما می‌گفتیم که آن، خاک کربلاست».

و در روایت دیگر آمده: «سپس گفت -یعنی جبرئیل-: آیا خاک محل کشته شدن او را به تو نشان ندهم؟ پس سنگریزه‌هایی آورد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنها را در شیشه‌ای قرار داد، سپس امسلمه گفت: در شب کشته شدن حسین (علیه السلام) شنیدم که گوینده‌ای می‌گوید: ای قاتلان حسین از روی جهالت! بشارت باد بر شما عذاب و چیرگی، بر زبان فرزند داود (سلیمان) و موسی و حامل انجیل (عیسی) لعنت شده‌اید. (امسلمه) گفت: گریه کردم و شیشه را باز کردم که ناگهان سنگریزه‌ها به صورت خون جاری شدند».

و ترمذی در کتاب «صحیح» خود آورده که امسلمه، پیامبر (صلی الله علیه

و آله) را دید در حالی‌که گریه می‌کرد و خاک بر سر و ریشش بود از او (در مورد این حالتش) پرسید. حضرت فرمود: به خاطر کشته شدن حسین در زمانی نزدیک.

و از ربیع بن منذر ثوری از پدرش نقل شده که گفت: «شنیدم که حسین بن علی می‌گوید: هرکس چشمانش در مصیبت ما اشکی بریزد یا از چشمانش در مصیبت ما قطره‌ای بچکد خداوند به سبب آن، مدت زمانی دراز او را در بهشت ساکن گرداند».



از ام المؤمنین امسلمه -خداوند از او راضی باد-روایت شده که گفت: «در شی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نزد ما بیرون رفت پس مدتی طولانی از دید ما پنهان شد، سپس با حالت آشفته و غبارآلود و دست بسته به سوی ما آمد، به او گفتم: ای رسول خدا! چه شده که شما را آشفته و غبارآلود می‌بینم؟ حضرت فرمود: در این وقت به مکانی از سرزمین عراق که به آن کربلا گفته می‌شد، برده شدم. پس در آن، قتل‌گاه فرزندان حسین و گروهی از فرزندان و اهل‌بیتم را دیدم، پس پیوسته خون‌های آنها را از زمین جمع می‌کردم. بیا این خون‌ها در دست من است، و دستش را به طرف من باز کرد و گفت: آن را بگیر و برای خودت نگه‌دار. زمانی‌که حسین (علیه السلام) به قصد رفتن به سوی عراق از مکه خارج شد آن شیشه را هر روز و شب بیرون می‌آورد، پس می‌بوییدم و به آن نگاه می‌کردم سپس بر مصیبت او گریه می‌کردم، پس چون روز دهم ماه محرم، همان روزی که حسین (علیه السلام) در آن کشته شد فرا رسید، در اول روز آن را بیرون آوردم در حالی‌که به همان حالت بود، سپس در آخر روز به سراغش رفتم ناگهان

دیدم که خونی تازه (خون انسانی تازه درگذشته) است».

و از محمد بن سیرین (از بزرگان اهل سنت) روایت شده که گفت: «این سرخی در آسمان دیده نشد جز بعد از کشته شدن حسین (علیه السلام)».

و سفیان بن عیینه (از محدثین اهل سنت) از علی بن الحسین (علیه السلام) روایت کرده که گفت: «به همراه حسین (علیه السلام) خارج شدیم در هر منزلی که فرود می‌آمدیم یا از آن کوچ می‌کردیم از یحیی بن زکریا و کشته شدن او یاد می‌کرد. و روزی فرمود: و از موارد شرمساری دنیا در برابر خداوند این است که سر یحیی بن زکریا به یکی از زناکاران بنی اسرائیل هدیه شد».

و در آن چیزی که بخاری ذکر کرده برای منکران مصیبت حسین (علیه السلام)، عبرتی است. بخاری در کتاب «صحیح» خود روایتی را با اسنادش به انس بن مالک آورده: ««برای عبیدالله بن زیاد سر حسین بن علی (علیه السلام) آورده شد و در طشتی قرار گرفت، پس شروع به پنجه کشیدن کرد، و در مورد زیبایی آن، چیزی را گفت، پس انس گفت: «او شبیه ترین آنها به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و با وسمه خضاب شده بود». افسوس بر همهٔ مصیبت‌ها یک مرتبه -چنانکه فقیه اهل سنت ابن عربی مالکی گفت- و افسوس بر مصیبت حسین هزار مرتبه، اگرچه بولش بر سینهٔ پیامبر جاری شود و خونش بر خاک پست ریخته شود و نگه داشته نشود، ای خداوند و ای مسلمانان (به فریاد برسید)!!».

و ابن تیمیه باوجود ناصبی بودن و دشمنی کردنش با اهل‌بیت (علیهم السلام) و شیعیان آنها، این‌گونه اعتراف می‌کند: «و حسین -که خدا از او راضی باد- مظلوم و شهید کشته شد، و قاتلان او ظالم و تجاوزگر هستند، و خداوند حسین -که خدا از او راضی باد- را با شهادت در این روز (یعنی روز عاشورا) اکرام کرد، و به سبب آن قاتلان و یاوران آنها و راضی شونده‌گان به قتل حسین (علیه السلام) را خوار کرد و او الگویی نیکو از شهدای قبل از خود دارد، پس همانا او و برادرش دو سرور جوانان اهل بهشت هستند، و در سایهٔ عزت اسلام تربیت شده بودند، به آنها در ازای هجرت و جهاد و صبر بر اذیت در راه خدا آنچه که اهل‌بیتش تقدیم کرد، چیزی داده نشد، بنابراین خداوند متعال به جهت بالابردن درجات آنها و کامل کردن شرافت آنها، آن دو را با شهادت اکرام کرد. و کشته شدن حسین (علیه السلام) مصیبت بزرگی است، و خداوند سبحان با این سخنش: (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ) (و صبرکنندگان را بشارت ده؛ آنانکه هنگامی که مصیبتی به آنها می‌رسد می‌گویند ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم)\* بر آنها از جانب پروردگارشان درود و رحمتی است و آنها همان هدایت شدگانند (بقره، ۱۵۶-۱۵۸) استرجاع خواندن در هنگام مصیبت را وضع کرد و من آنچه که خداوند متعال فرمود را می‌گویم (ستکتب شهادتهم و یسألون) (به زودی شهادت آنها نوشته می‌شود و مورد سؤال قرار می‌گیرند)».

(زخرف، ۱۹)

در اینجا بخش‌هایی از داستان دموزی را باهم می‌خوانیم: «...قلبش ظرف اندوه و اشک شد، تا به آنجا که دشتها امتدادی دور دست دارند رفت، قلب چوپان مالا مال از اندوه و اشک است، به دشت‌های دوردست رفت...»

اینجا به دموزی صفت چوپان داده شده است، و این به آن دلیل است که او یکی از خلفای خدا بر زمین بوده است. همان‌طور که می‌بینیم حضرت عیسی (ع) می‌گوید: (۱۴)من چوپانی صالح هستم که بره‌هایم را می‌شناسم و بره‌هایم نیز مرا می‌شناسند. (کتاب مقدس-مجمع کنیسه‌های شرقی:ص۳۲۲)

«...ای دشت‌ها، باید غم و اندوه و اشک ریختن را فراموش کنید، گریه‌ام را تکرار کنید، با من نوحه سر دهید، ای خرچنگ‌های رودخانه، بر من دردمند شوید، ای قورباغه‌های رودخانه، برایم آواز سر دهید، تا مادرم فریاد شیون و زاری سر دهد...»

بین حدیثی که در زیر برایتان می‌نویسیم تشابه عجیبی با متن بالا که مربوط به دموزی است وجود دارد: صدوق سخن امام حسن (ع) به برادرش امام حسین (ع) را نقل می‌کند: (آنچه به من می‌رسد زهری است که به نیرنگ به کامم می‌ریزد و با آن کشته می‌شوم، ولی ای اباعبدالله هیچ روزی مانند روز تو نخواهد بود. سی هزار نفر که خود را از امت جد ما محمد (ص) و منسوب به اسلام می‌دانند به سوی تو هجوم آورده، به کشتن و ریختن خونت و هتک حرمت و به اسارت بردن خواندانت و اطفال و غارت خیمه‌هایت اقدام می‌کنند. پس در آن روز لعنت بر بی‌امیه فرود آید و آسمان خاکستر و خون بیارد و هرچیزی بر تو بگیرد حتی وحوش بیابان‌ها و ماهیان دریاها) (امالی ص۱۷۸)



## آیا سومریان بر حسین ابن علی (ع) می‌گریستند؟؟

سومریان یا اکدیان هزاران سال بر دُموزی (دمو: فرزند، زی: نیکوکار) گریستند و مویه کردند.

گره و زاری سرزمین بین‌النهرین بر دموزی تا زمان حزقیال نبی ادامه یافت.

در تورات نقل شده است که ساکنان بین‌النهرین بر تموز (دموزی) نوحه سرایی میکردند: «سپس گفت بیا تا گناهان بدتر از اینها را به تو نشان دهم» \* آن‌گاه مرا به دروازهٔ شمالی خانهٔ خداوند آورد و زنانی را نشان داد که آنجا نشسته بودند و بر تموز گریه میکردند \* خداوند به من فرمود: آیا این را میبینی، ای فرزند آدم؟ ولی از این بدتر را هم به تو نشان خواهم داد \* سپس مرا به حیاط داخلی خانهٔ خداوند آورد. آنجا در کنار دروازهٔ خانه، هیکل خداوند و بین ایوان و قربانگاه، در حدود بیست و پنج مرد پشت به هیکل خداوند و رو به مشرق، در شرق، آفتاب را سجده میکردند». ( کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر حزقیال ۸: ۱۳ تا ۱۶).

عملی که در اینجا گناه و پلیدی خوانده شده، همان قتل تموز (دموزی) است که آن زنان را به گریه، و مردان را کنار قتلگاهش به سجده واداشته است.

ساموئل نو آه کریم‌ر یک آشور شناس اهل ایالات متحده آمریکا که چندین کتاب دربارهٔ تمدن سومر و اکد نگاشته است. در مقدمهٔ یکی از کتاب‌های خود با عنوان «کتاب الواح سومری» این‌گونه نگاشته است:

«سومریان از اقوام ساکن در جنوب سرزمین کنونی عراق یعنی میان رودان(بین دو رود دجله و فرات) و شمال خلیج فارس بودند. ایشان از جمله در شهر باستانی بابل سکنی داشتند و تمدنی پرمایه را پی‌ریزی نمودند».

ساموئیل کریم‌ر در ادامهٔ مقدمهٔ کتاب خود به بیان شباهت بین سه شخصیت موجود در کتاب عهد عتیق و الواح سومری می‌پردازد:

«از میان اساطیر متعدد سومری، سه اسطوره به داستان‌های عهد عتیق شباهت دارند. یکی از این اسطوره‌ها داستان آدمیانی را می‌گوید که از گل آفریده شده بودند و در سرزمینی پربار موسوم به دیلمون می‌زیسته‌اند که در آن نه بیماری بود و نه مرگ، ولی از آب شیرین هم خبری نبود. انکی فرمان می‌دهد آب شیرین را از زمین چوانا نه‌ری که از باغ بهشت جاری است بیاورند، بدین‌سان دیلمون باغی ملکوتی می‌شود. این اسطوره از زنی سخن می‌گوید که به انکی گیاهانی را پیشکش می‌کند که نفرین برایش می‌آورند و سبب درد دنده‌اش می‌شوند. آنگاه یک بانوی دنده برای درمانش خلق می‌شود. دو داستان دیگر طوفان نوح و صبر ایوب هستند».

بعد از خواندن این مطالب این سؤال پیش می‌آید که شاید اسطوره‌های دیگری هم در الواح سومری موجود باشند که با شخصیت‌های دینی ما تطابق داشته باشند.

در بین تمام نوشته‌ها و شخصیت‌های موجود در الواح گلین به جا مانده از سومریان شخصیت دموزی داستان آشنایی را برای ما روایت می‌کند، مخصوصاً وقتی که گفتگوهای او با خواهرش (جشتی اینانا) را می‌خوانیم، که حتی خود سومریان هم هزاران سال تا زمان حزقیال نبی بر مصیبت‌های او می‌گریستند.

فهرست منابع و مآخذ

**Facebook.com/AlnajafAlashraf313**

روز مجید انصار امام مهدی (ع) در پالتاک

**Asia and Pacific→iran→Il Ansar Emam Mahdi 10313 Il**

**Https://Almahdyoon.Co**

فهرست منابع و مآخذ

**Telegram.me/Zaman\_Zohour**

روز مجید انصار امام مهدی (ع) در پالتاک

**Www.Zamanezohoor.Com**